

در آفاق



با نگاه به تاریخ بشر نمی‌توان رخدادی همانند عاشورا یافت؛ رخدادی که از یکسو بار سنگینی عاطفی داشته باشد و حوادث مصیبت‌بار کوچک و بزرگ را در خود جای دهد، فداکاری و مظلومیت جمعی از بزرگترین انسان‌ها را به تصویر کشد و از سوی دیگر ملامت از ارزشها و فضائل جاودان بشری و اسلامی باشد. این رخداد در واقع جدال و ستیزه میان فضیلت‌ها و رذیلت‌ها، عقل و جهل، عدالت و نابرابری، آزادی و ذلت‌پذیری، مدنیت و قبله‌گرایی، خدا پرستی و شیطان پرستی، نوع‌دوستی و خودخواهی، قساوت و مهربانی است که دو دسته انسان‌ها آن را اجرا و در معرض دید تاریخ قرار می‌دهند و این اجرا از سوی دو دسته پیش‌گفته، به زیباترین شکل و زشت‌ترین صورت ممکن، به نمایش گذارده می‌شود.

حادثه عاشورا با چنین ویژگی‌ها نامیرا گشت و توانست از محدودیت‌ها و مرزهای زمانی، مکانی، مذهبی و دینی بگذرد و وجدان بیدار انسان را در قلمرو گسترده و متنوع تحت تأثیر قرار دهد. نگاه کوتاه به ادبیات مکتوب شکل‌گرفته پیرامون این رخداد بی‌نظیر در فرهنگ بشری و به زبانهای مختلف به شمول ادبیات تاریخی، تحلیل‌ها، شعر، مرثیه، نوحه و... و نیز ظهور آئین‌های گوناگون عزاداری، در کنار تنوع دینی، سنی، فکری و جنسیتی مخاطبان و شیفتگان عاشورا، گویای عظمت بی‌مانند این حادثه است. حضور بیست و پنج میلیونی کنگره بزرگ اربعین از هشتاد کشور جهان و ادیان و مذاهب مختلف در کربلا و برگزاری بزرگترین و صلح‌آمیزترین و انسانی‌ترین آئین دینی جهان، گوشه‌ای از نفوذ فزاینده امام و نهضت بزرگ عاشورا در دل انسان‌هاست. این نفوذ و گیرایی، در حیطه احساسات، تحلیل و نگارش یا برگزاری مراسم، باقی‌نمانده و نمی‌ماند و پیوسته الهام‌بخش جریان‌های فکری و نهضت‌های عدالت‌طلبانه و ظلم‌ستیز و

ستمسوز در درازای تاریخ بوده و خواهد بود. تأمل به همین پیامدها و آثار- در کنار پاداش معنوی- است که تأکیدات ائمه معصومین(ع) بر زنده‌نگه داری یاد این رخداد و احیای عزاداری عاشورا را تفسیر می‌کند.

با این‌همه میان عظمت این حادثه و ظرفیت‌های انسانی و اسلامی آن از یکسو و نتایجی که باید از بزرگداشت پیوسته آن بدست آید، تناسبی نیست. این پدیده معلول دو علت مهم است. از یکسو گذشت بیش از هزار و سیصد و هفتاد سال از این حادثه و عبور آن از دل فرهنگ‌ها، زبان‌ها و جوامع مختلف، گاه وصله‌های ناهمگون و ناسازگار بر قامت آن آویخته و چهره اصلی آن را در پس حجاب‌ها نهان ساخته است و از سوی دیگر با عنایت به غلبه داشتن جنبه عاطفی این حادثه در میان توده مردم، فرهیختگان نیز در مطالعه پیوسته این رخداد و بهره‌گیری از سازوکار خرد در معرفی دقیق مبانی، اهداف و ظرفیت‌های این نهضت و آسیب‌شناسی مدام عزاداری‌های آن، کوتاهی کرده‌اند. این امر موجب گشته است که گاه عزاداری‌های حسینی، در مسیری قرار گیرد که با فلسفه نهضت عاشورا و اهداف والای انسانی و اسلامی آن نسازد و یا بخش مهمی از جوامع انسانی و اسلامی را از بهره‌گیری آن محروم گردند.

با عنایت به وجود این تقصیر، دست‌اندرکاران آفاق، این شماره مجله را وقف این نهضت جاودانه و انسان ساز کرد تا به قدر توان در فهم درست این حرکت بزرگ الهی و انسانی سهمی گیرد و با فاصله گرفتن از گفتمان عزاداری به تحلیل این گفتمان و تأمل در ظرفیت‌های نهفته آن و همچنین بیان بایسته‌ها و آسیب‌های آن، بپردازد تا زمینه‌ی استفاده‌ی بیشتر از این حرکت بزرگ انسانی و اسلامی فراهم گردد. آفاق، سالار شهیدان حسین(ع) و حرکت جاودانه او و یارانش را نه تنها در انحصار مذهب شیعه نمی‌داند -چنان‌که مستندات تاریخی نقش مهمی برادران اهل سنت بخصوص بزرگان جامعه افغانستان را در احیای یاد عاشورا به خوبی نشان می‌دهد- بلکه امام حسین(ع) و مکتب عظیم او را الگو و سرمایه گرانتیقت بشری می‌داند و پژوهش‌ها، مطالعات میان‌ادیانی و فرادینی در حال اجرا در محافل علمی و گرایش روزافزون به این نهضت را دلیل این امر می‌داند.



با عنایت به نکات فوق در این شماره آفاق، مباحثی چون خاستگاه و اهداف اسلامی و انسانی نهضت عاشورا، ظرفیت‌های تربیتی عزاداری امام حسین(ع)، آسیب‌شناسی محتوایی و صوری عزاداری امام حسین(ع)، آثار عاطفی عزاداری امام حسین(ع)، پیشینه عزاداری امام حسین(ع)، منبع‌شناسی عزاداری امام حسین(ع)، جایگاه امام حسین(ع) در قرآن کریم بر اساس دیدگاه فریقین، دستاوردهای جامعه‌شناسانه نهضت عاشورا، تبلور شایسته‌سالاری دینی در حادثه عاشورا، بایسته‌های عزاداری امام حسین(ع)، عزاداری امام حسین(ع) در اندیشه بزرگان اهل سنت و نهضت عاشورا به مثابه رنج‌رهای بخش، را با خوانندگان و فرهیختگان در میان می‌گذارد و مثل همیشه در انتظار نقد، پیشنهاد و هم‌اندیشی خوانندگان عزیز می‌نشیند.

سردبیر